شهرآرا روز نو

25
09
19
۴شنبه
۰۳ مهر ۱۳۹۸
۲۵ محرم ۱۴۴۱
شماره ۲۹۳۱

به وقت شله

مهدی محمدی

کارت‌خوان ترسناک‌تر از آمپول آمد پدید!

امروز به خیابان‌های عارف و پرستار رفتیم. ۹۹/۹۹درصد پزشکان کارت‌خوان داشتند، فقط ۰/۰۱ درصد نداشتند که از آن‌ها دلیلش را پرسیدیم و آن‌ها نیز جواب‌های کاملا قانع‌کننده‌ای به ما دادند:

- تلگرامو ببین؛ نوشته سالانه معادل ۲۴میلیون جلد کتاب، رسیدِ کارت‌خوان در کشور صادر می‌شود. با این حساب ما پزشکان جلوی قطع درختان را می‌گیریم ولی به‌جای تجلیل از ما بابت فعالیت‌های زیست‌محیطی، می‌خواهند ما را به‌خاطر تلاش برای فرار مالیاتی جریمه کنند.

- من با گذاشتن کارت‌خوان مشکل ندارم، فقط یک شرط دارد. رسید کارت‌خوان هم مثل نسخه‌هایی که ما می‌نویسیم، ناخوانا باشد تا مامور مالیات اصلا نفهمد چی شده و چقدر پول از حساب مشتری(!) ببخشید بیمار به حساب ما آمده است.

- تقصیر وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی است. باید چند واحد عملی و تئوری استفاده از کارت‌خوان در دانشگاه‌های علوم پزشکی آموزش داده شود؛ البته از ما که گذشت ولی الان که اوایل مهر است، می‌شود این کار را کرد.

- ببینید من یک دکتر متخصص تغذیه هستم. الان بیماران ما به‌دلیل اینکه کارت‌خوان نداریم، مجبورند چندصدمتر پیاده بروند و از عابربانک پول بردارند و برگردند. این کار خودش یک درمان است و سهم بسزایی در جلوگیری از کم‌تحرکی و چاقی بیمار دارد.

- یک اشتباه کوچک در استفاده از کارت‌خوان، خیلی وحشتناک است. فرض کنید یک بیمار برای پرداخت ویزیت من که ۵۰هزار تومان است، یک صفر بیشتر بگذارد و ۵۰۰هزار تومان کارت بکشد. آن وقت من مجبورم همان جا نُه‌بار دیگر او را ویزیت کنم تا دیگر بدهی به او نداشته باشم، آن هم درحالی که بیماران در اتاق انتظار، منتظر من هستند و خودتان می‌دانید که هدر نرفتن وقت بیمار چقدر برای یک پزشک مهم است.

- ما هم کارت‌خوان داریم و مشکلی با کارت کشیدن بیمار نداریم، فقط سیستم کارت‌خوان ما مثل سیستم ادارات است؛ یعنی هر روز قطع است و اگر کسی بخواهد کارت بکشد، باید امروز برود، فردا بیاید!

- من هم توی مطبم کارت‌خوان داشتم ولی تا به برق زدم، به‌دلیل مصرف زیاد برقش، فیوز زد بالا، حتی به‌دلیل مصرف زیاد برق کارت‌خوان، هرشب بابابرقی به خوابم می‌آمد و می‌گفت: مصرف بی‌رویه، کار خیلی بدیه! این بود که دیگر از آن استفاده نکردم.

- من یک روان‌پزشکم. مطالعات من نشان می‌دهد که وقتی به بیمار گفته شود: «کارت بکش»، در ضمیر ناخودآگاه او این جمله شنیده می‌شود که «کارد بکش!». این فرمان از ضمیر ناخودآگاه به مغز منتقل می‌شود و حجم آمار چاقوکشی و جرم و جنایت به‌خاطر همین دستگاه کوچک کارت‌خوان افزایش می‌یابد.

- من دیدم جایی که منشی من هزینه ویزیت را از بیماران می‌گیرد، فقط یک عدد پریز دارد و گوشی منشی هم همیشه داخل آن پریز درحال شارژ است، لذا کارت‌خوان نصب نکردم تا در شارژ گوشی منشی، اخلالی ایجاد نشود؛ البته پیشنهاد دادند که یک سه‌راهی برق به پریز بزنم ولی خودتان منصفانه قضاوت کنید! مگر یک پزشک چقدر درآمد دارد که بخواهد یک سه‌راهی برق بخرد؟

- من به کسی که آمده بود کارت‌خوان نصب کند، گفتم: ویزیتت را بده، ولی در کمال پررویی گفت: مگر برای نصب کارت‌خوان از کسی ویزیت می‌گیرند؟ او اولین کسی بود که پایش را از در مطب به داخل گذاشت ولی ویزیت نداد. مطمئنا با خاطره ناخوشایندی که برایم به جا ماند، دیگر به احدی اجازه نخواهم داد برای نصب کارت‌خوان به مطبم بیاید.

- به ما می‌گویند: کارت‌خوان که ترس نداره! آن‌ها نمی‌دانند ما خودمان این کاره‌ایم و همیشه به بچه‌هایی که از آمپول می‌ترسند، می‌گوییم: نترس، آمپول ترس نداره، درصورتی که آمپول خیلی خیلی هم ترس دارد.

با هم بشنویم؛
خیالت راحت
کی خونده؟
مهرداد جم
ترانه و موزیکش از کیه؟
خودِ مهرداد جم
حس‌وحالش چیه؟
آروم و احساسی، عاشقانه

رویاهای مرا به سرقت بردید

درباره «گرتا تونبرگ» دختر شانزده ساله ای که با حرف هایش، رهبران سیاسی دنیا را شرمنده کرد و سوژه داغ رسانه های جهان شد

ایمان فروزان‌نیا

آیا تغییرات اقلیم و گرم شدن زمین برایتان مهم است؟ بعید می‌دانم کسی از تاثیر مخرب گرمایش زمین مطلع باشد و به این سوال جواب منفی بدهد. همین ریزگردهایی که چند روز گذشته میهمان شهرمان بودند، از تحفه‌های گرمایش زمین و افزایش بیابان‌ها هستند. بگذارید حالا یک سوال سخت‌تر بپرسم. حاضرید برای رفع بحران آب‌وهوا و کاهش گازهای گلخانه‌ای چه کار کنید؟ آیا حاضرید بی‌خیال درس و زندگی شوید و ۱۵روز در یک قایق دومتری بادبانی، فاصله اقیانوس اطلس تا آمریکا را طی کنید تا خودتان را به اجلاس جهانی تغییرات اقلیمی در نیویورک برسانید و آنجا مقام‌های ارشد دولت‌های دنیا و تاثیرگذارترین افراد جهان را با حرف‌هایتان خردوخاکشیر کنید و بعدش برگردید به شهرتان؟ شاید این کار کمی عجیب به نظر برسد ولی دقیقا همان کاری است که «گرتا تونبرگ» شانزده‌ساله انجام داده است تا دیروز به صدر اخبار دنیا بیاید و همه درباره دل و جرئت و احساس مسئولیتش دربرابر محیط زیست حرف بزنند.

از اعتصاب مدرسه تا اجلاس جهانی

داستان این دختر سوئدی از مرداد سال قبل جدی شد؛ وقتی که درس و مدرسه را رها کرد و با یک پلاکارد که روی آن نوشته شده بود: «اعتصاب مدرسه برای اقلیم» به مدت سه هفته، به نشانه اعتراض مقابل پارلمان سوئد نشست. گرتا در این مدت، تراکت‌های کوچکی به مردم می‌داد که رویشان نوشته شده بود: «من این کار را می‌کنم، زیرا شما بزرگ‌ترها دارید به آینده من گند می‌زنید». حرکت او توجه رسانه‌های زیادی را به خودش جلب کرد و باعث شد ۲۰هزار دانش‌آموز در بیش از ۲۷۰نقطه دنیا برای توجه به بحران‌های آب‌وهوایی دست به اعتصاب بزنند و به مدرسه نروند.

گرتا برای صحبت و بیان دیدگاهش به کشورهای مختلف سفر کرده و با مسئولان و سیاستمداران دنیا گفت‌وگو و مکاتبه کرده است. از باراک اوباما گرفته تا آنتونیو گوترش (دبیرکل سازمان ملل متحد). گوتریش بعد از مطلع شدن از حرکت الهام‌بخش این دختر نوجوان، در پیام تامل‌برانگیزی نوشت: «نسل من نتوانسته است به‌درستی پاسخ‌گوی چالش چشمگیر تغییرات اقلیمی باشد. این را عمیقا جوانان احساس می‌کنند. عجیب نیست اگر آن‌ها عصبانی هستند».

گرتا تونبرگ تلاش برای کاهش گازهای گلخانه‌ای و بهبود اقلیم زمین را از خانه‌اش شروع کرده است. او و پدر و مادرش دیگر گوشت قرمز نمی‌خورند، با هواپیما سفر نمی‌کنند و اصلا برای همین گرتا مجبور شده است برای رسیدن به اجلاس تغییرات اقلیمی، همراه پدرش مسیر انگلیس تا آمریکا را با یک قایق بادبانی که به باتری‌های آفتابی هم مجهز بوده است، بپیماید. بعد هم در یک سخنرانی بی‌نظیر با لحنی آمیخته به خشم و ناراحتی چنان به رهبران جهان بتازد که مو بر تن هر شنونده‌ای راست شود: «ما در آغاز انقراض دسته‌جمعی هستیم و تنها چیزی که می‌توانید درباره آن صحبت کنید، پول و افسانه‌های ابدی است. شما رؤیاهای من و کودکی مرا با کلمات خالی خود به سرقت بردید! هیچ چیز سر جایش نیست. من نباید اینجا باشم. من باید آن طرف اقیانوس الان در مدرسه باشم. درمقابل، شما به ما جوان‌ها چشم امید دوخته‌اید. چطور رویتان می‌شود؟ مردم دارند جانشان را از دست می‌دهند. اکوسیستم‌ها یک‌جا درحال فروپاشی هستند. انقراض انبوه (گونه‌های زیستی) شروع شده و شما فقط می‌توانید از پول و رشد بی‌وقفه اقتصادی حرف بزنید. چطور رویتان می‌شود؟!»

رهبر نسل آینده

همه چیزهایی که گفتم و کلی ناگفته را باید بگذارید کنار این حقیقت که گرتا از نوعی بیماری اوتیسم هم رنج می‌برد، ولی بیماری هیچ‌وقت باعث عقب‌نشینی او نشده است. او می‌توانست در کشور سوئد که شهروندان آن بیشترین رفاه زندگی در دنیا را دارند، بدون این همه دردسر زندگی‌اش را بگذراند و هر روز بیشتر مصرف کند و جان زمین را بیشتر از قبل بگیرد ولی مسیر دیگری را برای زندگی‌اش انتخاب کرده است. او تلاش می‌کند پیامدهای گرم شدن زمین بر اثر گازهای گلخانه‌ای را به مردم جهان گوشزد کند. او نمی‌تواند درک کند که چرا دولت‌های دنیا برایشان مهم نیست که سطح آب‌های دنیا در سال‌های اخیر به شکل نگران‌کننده‌ای بالا آمده است و در دنیا روزانه بیش از ۲۰۰گونه جانوری منقرض می‌شوند و دلیل این فجایع، تغییرات سریع اقلیمی است. کاهش آب در برخی نقاط دنیا در سال‌های آینده، می‌تواند باعث مرگ میلیون‌ها موجود زنده ازجمله انسان‌ها شود و خطر جنگ و انقراض را برای بشر بیشتر از قبل کند.

گرتا تونبرگ حالا به پیشنهاد سه نفر از پارلمان نروژ بابت تلاش برای جلوگیری از جنگ و نزاع‌ها به‌دلایل زیست‌محیطی، کاندیدای صلح نوبل شده است و ممکن است خیلی زود به جوان‌ترین چهره تاریخ تبدیل شود که این جایزه را دریافت کرده است. پنج ماه قبل ماجرای زندگی این دختر جسور، سوژه اصلی نشریه تایمز شد و عکس او روی جلد این مجله معتبر جاگرفت. تیتر مجله عبارت امیدوارکننده‌ای بود: «رهبران نسل بعد».

هزار تو

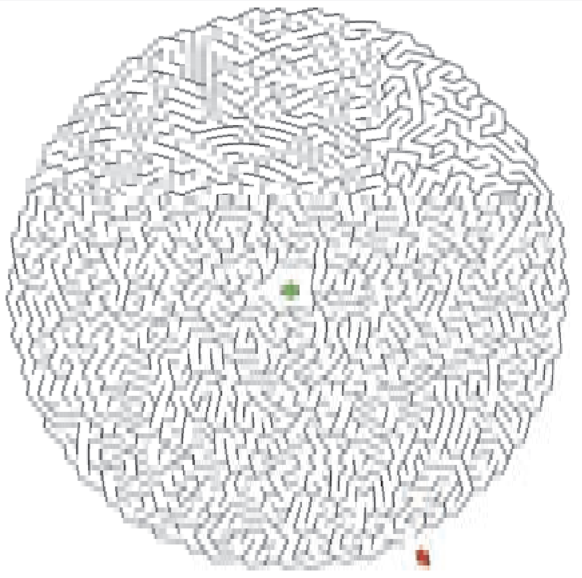

سودوکو پازلی

قوانین سودوکوی پازلی درست مثل سودوکوی معمولی است؛ با این تفاوت که جدول سودوکوی معمولی از ۹ مربع کوچک ساخته می‌شود ولی در سودوکوی پازلی این مربع‌ها به اشکال نامنظمی تغییر شکل داده‌اند. شما باید طوری اعداد یک تا ۹ را در جدول قرار دهید که در هر ستون، ردیف و هر ناحیه (که با خطوط پررنگ مشخص شده است) اعداد تکراری قرار نگیرد.

شماره ۴۹

		۲	۷					
۹					۸			
			۸	۹				
				۴			۱	۵
۷		۴				۲		۸
۱	۷			۲				
				۸	۴			
			۳					۲
					۶	۴		

پاسخ شماره ۴۹

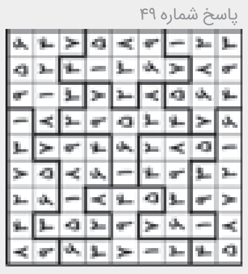

حاضرجواب

وزیر صنعت، معدن و تجارت: چاره‌ای جز خداحافظی با مدیران ناکارآمد نداریم.

مدیر ناکارآمد در پست جدید مدیریتی: سلامی چو بوی خوش آشنایی!

عضو هیئت‌رئیسه اتاق ایران و فرانسه: شرکت‌های فرانسوی با چمدان پر از دلار، پشت در ایستاده‌اند.

عالیه! فقط یه سوال، مگه فرانسوی ها پولشون یورو نیست؟

مظفر، وزیر سابق آموزش وپرورش: خبر نداشتم پسرم مدیرعامل تاکسی‌رانی شده است.

یک دانش‌آموز: عیب نداره، غصه نخور؛ بابای منم نمی‌دونه من کلاس چندمم.

عبدالرضا رحمانی، وزیر کشور: قیمت ارز تحت کنترل است.

وزیر اقتصاد: عبدالرضا! متن سخنرانی منو ندیدی؟ همین جا بود!

روزنامه آفتاب: با وجود ممنوعیت واردات خودرو و عدم ترخیص گمرک، ماشین‌های لاکچری۲۰۱۹ چگونه در خیابان‌ها ویراژ می‌دهند؟

جواب: با چرخاندن متوالی فرمان به سمت چپ و راست.

کله ونگ

مُشتِبا نخعی‌راد

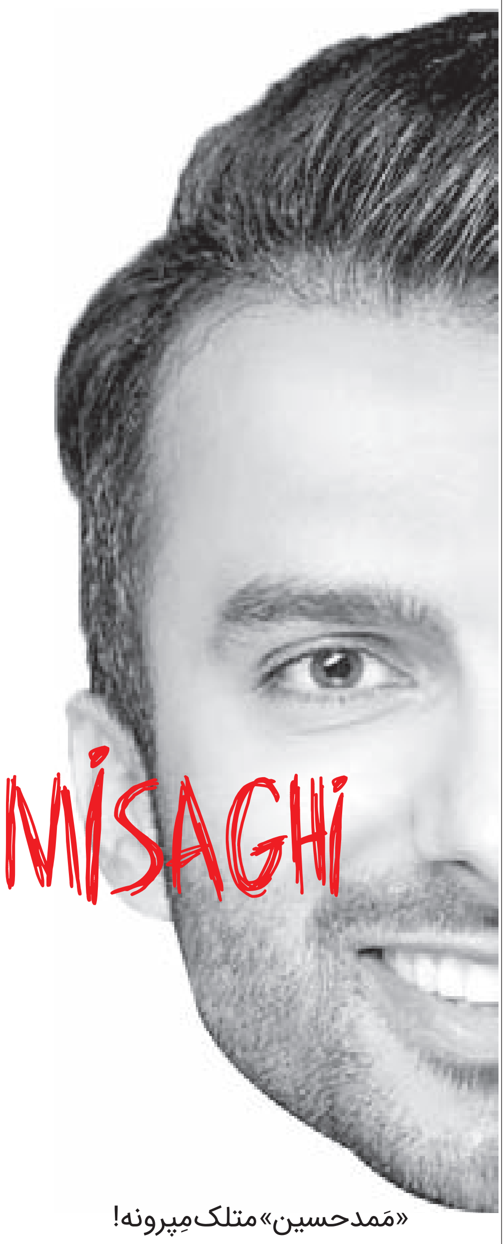

«مَمدحسین» متلک مِپرونه!

ای روزا که پیچ تلوزیون ره وا مُکُنی، لاکِردار مِگه: «باز آمد بوی ماه مدرسه...» جانِ مُشتِبا ایقذه دِلُم آشوب مِره که گلاب به روتا دَس به آب لازم مُرم. اینجه ره ول مِدی و مِری اونجه تو اینِستا، اونجه یَم واز همه یا دِرِن از خوشحالی جُل‌جُل مُکُنِن که خدا رِه شکر دِگه نِمخه بِرَن مدرسه، یا عکس بِچه خُردوشا رِه مِذرَن که دِره مِره مدرسه. مُو نمدنُم بچه مدرسگی مدرسه نِره، مُو مخوام بُرُم؟ به یَگ دوره‌ای رسیدِم که همه چی وَرچُپه رفته. یَگ زمانی سر ما رِه شیره مِمالیدَن و چاخانما مِکردَن و مُگُفتَن: «چوبِ معلم گُله، هر کی نخوره خُله!» و مایَم ساده، فک مِکردم بایَس بُخورم. حالا دِگه بِچه‌ها ایجور نیستن و یَگ گودزیلاهایی رفتَن و معلم رِه مُشورَن و رو طناب پهن مُکُنن که خشک بِره.

اِنا، یَگ نمونه‌اش همی «مَمدحسین میثاقی». یَگ زمانی خودشه هلاک مِکرد که تو برنامه نود، یَگ گزارشی، آیتم خُنُکی، چیزی بِذش بِدَن اجرا کنه. حالا دِگه نمک مُخوره و نمَکدون مِشکنه و رو آنتن زنده به دِداش گُلُم، «عادل فِردوسی پور» مَتَلک مِپرونه و مِگه: «تو این سال‌ها عادت کِردم که همش تو حاشیه بِرم و هر وقت مِخم درباره کارشناسی حرف بِزنم، مِگم یَگ برنامه کارشناسی بایس باشه، ولی مِپیچونِم و او برنامه رِه نمِذرم.»

مُو نِمخوام بگم عادل ایجور نمِکرد، یَگ جوری با کله مِرَفت تو حاشیه که دِگه نِمُشُد درش بیارن، ولی یَگ جوری کله‌وَنگ فدراسیون و مسئولا مِشُد که شب سه‌شنبه، تو هفت تا اِشکاف قایم مِرَفتَن که تلفنشا زنگ نِخوره! حالا که نیستَگ و تو تلوزیون آب دِره سربالا مِره، دِگه قرار نِشُد که قورباغه یَم هفت تیرکش بِره! دِداش گُلُم، شما دِرِن ایجور مِگن، ولی اگه عادل برنامه نود رِه ایجور درست نِمکرد و کار یادِتا نِمداد که ما هنوز داشتِم شبکه یک همی برنامه ورزش و مردم رِه نگا مِکردِم. شمایم تو میلان داشتِن با لاستیک اردِه‌بازی مِکردِن!